

متن پرسش

باسلام آیا پیامبران بخصوص اولوالعزم کل العلم و علمُ الكل و عقل الكل و كل العقل نیستند؟ آیا دارای خلأهایی در اسرار هستند که باید از (دیگران) بگیرند؟ منظور جریان خضر و موسی علیهما السلام است. اگر خداوند در قالب وحی اسرار را به موسی ع می آموخت حرفی نبود ولی از طریق یک شخص دیگر که به گفته ی امام صادق ع مقام موسی از خضر علیهما السلام بالاتر است، جای سوال است. چون در تقسیم بندی انواع رساندن وحی در سوره شوری هم حرفی از شخص ثالث نیست. و ما کان لبشر ان یکلمه الله الا وحیا او من وراء حجاب او یرسل رسولا فیوحی باذنه ما یشاء انه علی حکیم... هر چند در آن جریان سخن از وحی نبوده ولی اسراری غیبی در کار بوده. لطفا توضیح بفرمائید. تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همچنان که در سوره ی شوری آیه ی ۵۱ می فرماید: «وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٌ» اگر خداوند بخواهد با بشر سخن بگوید از این چند طریق سخن می گوید، ولی این آیه نمی گوید همه ی آنچه خدا می داند را به بشر می گوید. آری موسی «علیه السلام» به عنوان رسول خدا هر آنچه بشر برای سعادت خود در آن زمان نیاز دارد را آورده و هیچ نقصی در پیام حضرت موسی «علیه السلام» برای آن زمان نیست، ولی باز این بدین معنا نیست که خداوند همه ی حقایق را به حضرت موسی «علیه السلام» داده باشد. به همین جهت هم اگر با آن که آنچه در نزد حضرت خضر «علیه السلام» بود در نزد حضرت موسی «علیه السلام» نبود، نقصی در هدایت گری حضرت موسی «علیه السلام» پیش نمی آمد، می ماند حقایقی که ماوراء شریعت در اختیار بندگانی خاص هست مثل آنچه در اختیار حضرت خضر «علیه السلام» بود. موفق باشید